نگاه

غارت در بحران

چرا سایه سوداگری سنگین‌تر از سایه جنگ است؟

فرشاد رومی

درحالی‌که ایران در دو ماه گذشته یکی از پیچیده‌ترین و حساس‌ترین مقاطع تاریخ معاصر خود را در مواجهه‌ای مستقیم با دو قدرت اتمی پشت سر گذاشته، جغرافیای این نبرد از مرزهای سرزمینی به عمق معیشت مردم کشیده شده است. اگرچه نیروهای مسلح در میدان نبرد سخت، تا پای جان از تمامیت ارضی کشور صیانت کرده و بازدارندگی نظامی را حفظ کرده‌اند، اما در پشت جبهه، وضعیتی به‌مراتب نگران‌کننده‌تر در جریان است. محاصره دریایی از سوی ایالات متحده و تشدید حلقه تحریم‌ها، هرچند فشارهای فیزیکی و لجستیکی درخورتوجهی ایجاد کرده، اما به‌تنهایی مسبب وضعیت نابسامان اقتصادی کنونی نیست. آنچه امروز پایداری ملی را تهدید می‌کند، نه‌فقط بمب‌ها و موشک‌ها، بلکه نوعی «خودتحریمی سیستمی» و سوداگری افسارگسیخته در لایه‌های آشکار و پنهان اقتصاد است. در شرایطی که انتظار می‌رفت نهادهای حاکمیتی و بنگاه‌های بزرگ با رویکردی ایثارگرانه به تثبیت بازار کمک کنند، شواهد نشان می‌دهد برخی کارتل‌های اقتصادی و شرکت‌های خصولتی، با بهره‌گیری از شرایط جنگی و انحصارهای ساختاری، خود به موتور محرک تورم بدل شده‌اند. افزایش قیمت کالاهایی که کاملا داخلی‌اند و وابستگی مستقیمی به نرخ ارز یا واردات ندارند، نشانه‌ای از نوعی خیانت اقتصادی در پوشش مدیریت بوروکراتیک است. این وضعیت، گونه‌ای «آنتروپی اقتصادی» پدید آورده که در آن، نهادهای نظارتی متعدد با بی‌عملی، عملا به حاشیه رانده شده‌اند. مسئله محوری در این مقطع، فقدان «فرماندهی واحد» در عرصه اقتصاد جنگی است. تشتت دیدگاه‌ها و آشفتگی در تصمیم‌گیری‌های کلان و مهم‌تر از همه، دست‌اندازی شرکت‌های شبه‌دولتی به منابع ملی برای جبران ناترازی‌های خود، موجب شده قیمت‌گذاری از منطق اقتصادی فاصله گرفته و به منطق «غارت در بحران» نزدیک شود. هنگامی که قیمت یک کالای داخلی یا محصولات کشاورزی در مدت چند روز یا چند ساعت چندین برابر می‌شود، این پدیده نه حاصل محاصره خارجی، بلکه نتیجه «افول اخلاق حکمرانی» در سطوح اجرائی و نظارتی است. دلالان فرصت‌طلب و مدیران ناکارآمد، با ایجاد کمبودهای مصنوعی، عملا پازل فشار دشمن را از درون تکمیل می‌کنند. ازاین‌رو برای عبور از این بن‌بست و جلوگیری از گسست میان ملت و دولت، ضروری است که ساختار مدیریت اقتصادی کشور از وضعیت «بوروکراتیکِ منفعل» به الگوی «ستادیِ تهاجمی» تغییر یابد. در این راستا، پیشنهاد می‌شود در شرایط جنگی «شورای‌عالی مدیریت اقتصاد اضطراری» با اختیارات ویژه، فراقوه‌ای و تحت نظارت مستقیم عالی‌ترین سطوح حاکمیت تشکیل شود. کارآمدی این شورا در گرو برخورداری از ویژگی‌ها و کارکردهای زیر است:

- **ترکیب نخبگانی و پاک‌دست:** این نهاد نباید متشکل از مدیران تکراری، ناکارآمد یا وابسته به سرمایه‌داری رانتی باشد. حضور اقتصاددانان و سیاست‌شناسان مجرب و خوش‌نام، متخصصان لجستیک و ناظران امینِ فاقد تعارض منافع، شرط نخست موفقیت است.
- **خلع ید از کارتل‌های سودجو:** شورا باید به‌عنوان «اتاق جنگ اقتصادی»، اختیار قانونی برای لغو تصمیمات تورم‌زا و عزل مدیران متخلف در شرکت‌های دولتی و شبه‌دولتی را داشته باشد. در شرایط جنگی، احتکار و گران‌فروشی نه صرفا تخلف اقتصادی، بلکه تهدیدی علیه امنیت ملی و در حکم همراهی با دشمن است.
- **کنترل مستقیم زنجیره تأمین:** زنجیره تأمین از تولید تا مصرف باید تحت نظارت برخط این شورا قرار گیرد و قیمت‌ها با در نظر گرفتن سودی عادلانه به سطوح پیش از بحران بازگردانده شود. حذف واسطه‌های غیرضروری در توزیع کالاهای اساسی داخلی و استقرار نظام قیمت‌گذاری مبتنی بر بهای تمام‌شده، ضروری است.
- **واردات هدفمند برای شکستن انحصار:** دولت باید با بهره‌گیری از منابع ارزی، به صورت سریع و از مسیرهای موازی، اقدام به واردات کالاهای اساسی و سرمایه‌ای حساس کند تا انحصارهای داخلی که به بهانه تحریم بازار را در اختیار گرفته‌اند، تضعیف شوند. همچنین شفاف‌سازی جریان کالا و ارز در بخش‌های حاکمیتی، برای بازسازی اعتماد عمومی، اهمیت حیاتی دارد.

در مجموع، ایران امروز در میانه یک «جنگ ترکیبی» قرار دارد که ابعاد اقتصادی آن، به دلیل پیوند مستقیم با معیشت مردم، به‌مراتب خطیرتر از مواجهه نظامی است. در این گیرودار، آنچه بیش از ریزش ارزش پول ملی نگران‌کننده به نظر می‌رسد، «احتضار اخلاق» در مناسبات اقتصادی است؛ پدیده‌ای تلخ که در آن، حرصِ کارتل‌های زالوصفت بر جنازه انصاف و همبستگی ملی قدم می‌گذارد و در شرایط سخت معیشتی، «فضیلت‌های انسانی» را به مسلخ سوداگری می‌برد. ازاین‌رو این نبرد، تنها آزمونی برای کارآمدی فنی نیست، بلکه سنگ محکی برای قدرت نظام در صیانت از «عدالت اجتماعی» و جلوگیری از فروپاشی اخلاقی در بدنه حکمرانی و بازار به شمار می‌رود؛ چراکه فقرِ اخلاقی در میان متولیان و بازیگران بزرگ اقتصاد، ویرانگرتر از هر دشمن و تحریم خارجی، ریشه‌های اعتماد عمومی را می‌خشکاند و امنیت ملی را به چالش می‌کشد.

همگرایی یا واگرایی؟

خاورمیانه در عصر گذار: از مقاومت تا معماری نظم نوین

محسن راجی اسدآبادی
مدرس دانشگاه و پژوهشگر اقتصاد بخش عمومی

تحولات شتابان خاورمیانه و خروج امارات متحده عربی از اوپک، صرفا نشانه‌هایی از فروپاشی نظم کهنه نیستند، بلکه بیش از هر چیز، طلیعه‌دار ظهور عصری نوین از گذار هستند. بااین‌حال، برای درک ریشه‌های این دگرگونی بزرگ، باید به ۶۰ روز پیش بازگشت، به زمانی که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، با دستور به بزرگ‌ترین آزادسازی ذخایر استراتژیک نفت در تاریخ، وعده داد که ظرف چند هفته بازار انرژی را مهار و ایران را وادار به تسلیم خواهد کرد. ترامپ در ۱۲ مارس ۲۰۲۶، با اعلام آزادسازی ۱۷۲ میلیون بشکه نفت از ذخایر استراتژیک آمریکا به‌عنوان بخشی از یک طرح هماهنگ ۴۰۰ میلیون بشکه‌ای با ۳۱ کشور عضو آژانس بین‌المللی انرژی، تصور می‌کرد می‌تواند هم‌زمان قیمت‌های سرکش انرژی را مهار کند و دست برتر را در میز مذاکره با تهران به دست آورد. اکنون، پس از ۶۰ روز، جهان به این نتیجه رسیده که آن محاسبات، از بنیاد نادرست بوده است.

اشتباه ترامپ در این نبود که به دنبال مهار بازار بود، بلکه در این بود که گمان می‌کرد می‌تواند با یک جنگ کوتاه‌مدت و آزادسازی ذخایر، هم‌زمان تهران را فلج کند و بازار را آرام نگه دارد. واقعیت اما به‌گونه‌ای دیگر رقم خورد؛ قیمت نفت برنت که پس از اعلام آزادسازی ذخایر به ۹۰ تا ۹۵ دلار بازگشته بود، اکنون در پایان آوریل ۲۰۲۶ به ۱۱۵ دلار رسیده و در مقاطعی از ۱۲۶ دلار نیز عبور کرده است. آزادسازی ذخایر، به‌جای آنکه قیمت‌ها را مهار کند، عملا ذخایر استراتژیک آمریکا را تا مرز فروپاشی پیش برده است. پس از تکمیل این آزادسازی ۱۲۰روزه، موجودی ذخایر استراتژیک آمریکا به حدود ۲.۴۴ میلیارد بشکه کاهش خواهد یافت که آشکارا پایین‌تر از خط قرمز قانونی ۲.۵۲ میلیارد بشکه قرار دارد. علاوه بر این، محدودیت‌های فیزیکی گنبدهای نمکی، حداقل ۱.۵ تا ۱.۶ میلیارد بشکه نفت را برای حفظ پایداری ساختاری الزامی می‌کند، به این معنا که حتی اگر موانع قانونی نیز کنار گذاشته شوند، فضای قابل‌استفاده باقی‌مانده کمتر از ۹۰۰ میلیون بشکه است. به‌عبارت دیگر، اهرم اصلی آمریکا برای مداخله در بازار نفت، عملا از کار افتاده است.

این گران‌شدن پایدار انرژی، دو پیامد ساختاری برای ایران و کل منطقه دارد. نخست، جهان را با شتابی بی‌سابقه به سمت انرژی‌های پایدار و تجدیدپذیر سوق می‌دهد. بر اساس گزارش آژانس بین‌المللی انرژی در سال ۲۰۲۶، بازار جهانی فناوری‌های انرژی پاک با رشد متوسط ۲۰ درصد در سال از ۲۰۱۵، به ارزش تقریبا ۱.۲ تریلیون دلار رسیده است. هم‌اکنون حدود ۸۰ درصد از تولید برق خورشیدی و بادی جهان با هزینه‌ای پایین‌تر از زغال‌سنگ یا گاز انجام می‌شود و قیمت باتری‌ها از سال ۲۰۱۵ تاکنون ۷۵ درصد کاهش یافته است. سایمون استیل، دبیر اجرائی کنوانسیون تغییرات اقلیمی سازمان ملل، این وضعیت را «یک طنز عظیم» خوانده و تأکید کرده کشورهایی که به سوخت‌های فسیلی معتاد مانده‌اند، ناخواسته به ابرشارژ گسترش انرژی‌های تجدیدپذیر در سراسر جهان دامن می‌زنند. به‌زبان ساده، هر بشکه نفتِ گران‌تر، جهان را یک گام به دوران پساانرژی فسیلی نزدیک‌تر می‌کند و این به معنای کاهش بلندمدت ارزش استراتژیک ذخایر نفتی منطقه است.

دومین پیامد، طمع فزاینده قدرت‌های جهان‌خوار، به‌ویژه آمریکا، به منابع نفتی ایران است. گزارش‌های متعدد حاکی از آن است که گزینه‌های نظامی مورد بررسی سنتکام شامل «امواج حملات کوتاه و قدرتمند» علیه زیرساخت‌های ایران و حتی تصرف بخشی از تنگه هرمز است. این راهبرد نه برای آزادسازی تنگه، بلکه برای کنترل مستقیم شریان‌های انرژی منطقه طراحی شده است. آمریکا که ذخایر استراتژیک خود را تهی‌شده می‌بیند، اکنون به فکر تصرف فیزیکی منابع انرژی است. اینجاست که تراژدی محاسبات غلط ترامپ کامل می‌شود، جنگی که «کوتاه و قدرتمند» طراحی شده بود، اکنون به یک بحران اقتصادی جهانی بدل شده که نشانه‌ای از فروکش‌کردن در آن دیده نمی‌شود.

در کانون این عصر گذار، جمهوری اسلامی ایران نه به‌عنوان یک کنشگر منفعل و واکنش‌دهنده، بلکه به‌عنوان نیروی محرکه‌ای قرار دارد که راهبردی تاریخی را از «مقاومت» به «معماری نظم نوین» در دستور کار خود قرار داده است. این گذار راهبردی که در بحبوحه جنگی تحمیلی و تحت شدیدترین فشارهای اقتصادی و نظامی شکل گرفته، تنها یک تغییر تاکتیکی نیست، بلکه بازتعریف فلسفه حضور ایران در معادلات منطقه‌ای و جهانی است. تحقق این مسیر نظم‌سازی، نه یک آرزوی دوردست، بلکه ضرورتی تاریخی و راهبردی است که اهمیت آن را نمی‌توان نادیده گرفت. در این چارچوب، تصمیم امارات برای خروج از اوپک، که مصداق بارز واگرایی از ساختارهای سنتی است و واکنش عربستان برای حفظ بقایای نفوذ خود، در نقطه مقابل راهبرد ایران قرار می‌گیرند که حول محور «همگرایی» طراحی شده است، همگرایی‌ای که حلقه‌های آن از اروپا تا شرق آسیا گسترده شده و زیربنای معماری نظم نوین منطقه‌ای و جهانی را تشکیل می‌دهد.

اهمیت تاریخی موقعیت پیش‌روی ایران در این برهه حساس را باید با تأکید بر عظمت فرصت و عمق مسئولیت آن درک کرد. آنچه امروز در خاورمیانه در حال وقوع است، تنها یک جنگ یا یک بحران انرژی نیست، بلکه یک لحظه نادر در تاریخ روابط بین‌الملل است که در آن، ساختارهای قدرت به‌سرعت در حال تغییر جهت هستند. برای ایران، این لحظه می‌تواند نقطه عزیمتی باشد از یک «بازیگر مقاوم» که همواره در واکنش به فشارهای خارجی تعریف می‌شده، به یک «بازیگر معمار» که فعالانه قواعد بازی را طراحی و تعیین می‌کند. این گذار از «مقاومت» به «معماری»، به معنای کنارگذاشتن توانمندی‌های بازدارنده نیست، بلکه به معنای به‌کارگیری آنها در خدمت یک چشم‌انداز ایجابی و کلان است، چشم‌اندازی که در آن، ایران نه‌فقط به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای، بلکه به‌عنوان یک بازیگر استراتژیک و ضروری برای ثبات و توازن جهانی عمل می‌کند. کشوری که می‌تواند امنیت تنگه هرمز را با همکاری همسایگان تضمین کند، مسیرهای ترانزیتی کریدور شمال-جنوب را به شریان حیاتی تجارت شرق و غرب بدل کند و معماری امنیتی جدیدی را با مشارکت قدرت‌های بزرگ غیرغربی پایه‌ریزی کند، از نگاه آمریکای تمامیت‌خواه و بلوک غرب، دیگر صرفا یک «چالش» برای نظم کهنه نیست، بلکه به یک «قطب معمار» در نظم نوین جهانی تبدیل شده است. تحقق این معماری نوین، مستلزم درک عمیق از فرصت‌ها، تهدیدها و مسیرهای پیش‌روست و در قلب این مسیرها، مفهوم «همگرایی» در برابر «واگرایی» قرار دارد. خروج امارات از اوپک در آوریل ۲۰۲۶، که خود واکنشی به ۵۹ سال انباشت نارضایتی از ساختار سهمیه‌بندی این سازمان و به‌ویژه سلطه عربستان سعودی بر آن بود، بلافاصله به یکی از نقاط کانونی در این عصر گذار تبدیل شد. این تصمیم که در بحبوحه جنگ تحمیل‌شده به ایران توسط آمریکا و رژیم صهیونیستی و متعاقب آن بسته‌شدن تنگه هرمز اتخاذ شد، نمادی از راهبرد «واگرایی» امارات است. شرکت ملی نفت ابوظبی، ادنوک، در یک دهه گذشته بیش از ۱۵۰ میلیارد دلار برای توسعه زیرساخت‌های نفتی خود هزینه کرده بود تا حداکثر ظرفیت تولید پایدار خود را به ۴.۸۵ میلیون بشکه در روز برساند و هدف ۵ میلیون بشکه تا ۲۰۲۷ را محقق کند. خروج از اوپک، واکنشی به انسداد ساختاری و تهدید بلندمدت گذار انرژی بود.

این تصمیم همچنین پاسخی به چالش تأمین مالی برنامه «عملیات ۳۰۰ میلیارد» بود، نقشه راهی که هدف آن افزایش سهم صنعت در تولید ناخالص داخلی از ۱۳۳ میلیارد درهم به ۳۰۰ میلیارد درهم تا ۲۰۳۱ است. بااین‌حال، این واکنش امارات را باید در چارچوب گسترده‌تر راهبرد «سنگاپور غرب آسیا» شدن آن تحلیل کرد، راهبردی که هدفش تبدیل این کشور به یک هاب تجاری، مالی و لجستیکی از طریق گسست از تعهدات جمعی و اتکا به اتحادهای دوجانبه با قدرت‌های بزرگ است. پیمان ابراهیم و عادی‌سازی روابط با اسرائیل که حجم تجارت دوجانبه را به ۳.۶ میلیارد دلار رسانده و سیاست «چندهمسویی» در قبال چین و آمریکا، همگی بخشی از این راهبرد واگرایانه برای تضمین بقا در عصر گذار هستند.

دراین‌میان واکنش عربستان سعودی نیز به همان اندازه راهبردی و حاکی از درک عمیق آن از تضعیف موقعیتش در عصر جدید است. ریاض که مستقیما رهبری خود در اوپک را تضعیف‌شده می‌دید، در برابر خروج امارات، نه با تقابل لفظی، بلکه با تلاش برای حفظ انسجام باقی‌مانده اوپک‌پلاس از طریق تعمیق هماهنگی با روسیه واکنش نشان داد. سقوط سهم عربستان از ۱۳ درصد تولید جهانی به ۱۱ درصد در ۲۰۲۴، زمینه‌ساز این واکنش محتاطانه بود. عربستان که پروژه «چشم‌انداز ۲۰۳۰» خود را در دست اجرا دارد، اکنون در موقعیتی قرار گرفته که باید میان رقابت با امارات برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی و تبدیل‌شدن به هاب منطقه‌ای، و حفظ نقش سنتی خود به‌عنوان رهبر جهان عرب و اسلام، توازنی دشوار برقرار کند. این واکنش محتاطانه، نشان‌دهنده آگاهی ریاض از این واقعیت است که در عصر گذار، قدرت صرفا از بشکه‌های نفت نشئت نمی‌گیرد.

اما مسیر ایران در این عصر گذار، بنیاداً متفاوت و بسیار پیچیده‌تر از دو رقیب عربی خود است. درحالی‌که امارات راهبرد «واگرایی» از ساختارهای جمعی منطقه‌ای را در پیش گرفته، ایران راهبرد «همگرایی» را در کانون معماری نظم نوین خود قرار داده است. این همگرایی، یک مفهوم انتزاعی نیست، بلکه در قالب حلقه‌های به‌هم‌پیوسته‌ای از اتحادهای اقتصادی، کریدورهای ترانزیتی، و نهادهای مالی و سیاسی چندجانبه در حال تحقق است که از اروپا تا شرق آسیا را در بر می‌گیرد. نخستین و مهم‌ترین حلقه این همگرایی، «کریدور بین‌المللی حمل‌ونقل شمال-جنوب» (INSTC) است. این کریدور که ایران را از طریق دریای خزر به روسیه، آسیای مرکزی و قفقاز و از طریق خلیج فارس و دریای عمان به بازارهای جنوب آسیا و آفریقا متصل می‌کند، ستون فقرات راهبرد همگرایی ایران است. سرمایه‌گذاری مشترک ۱.۷ میلیارد دلاری با روسیه برای تکمیل راه‌آهن رشت-آستارا، حلقه مفقوده این کریدور عظیم را تکمیل خواهد کرد و ایران را به گره‌گاه اجتناب‌ناپذیر تجارت میان هند، روسیه، آسیای مرکزی و اروپا تبدیل می‌کند. این کریدور که زمان ترانزیت را ۴۰ درصد و هزینه‌ها را ۳۰ درصد در مقایسه با کانال سوئز کاهش می‌دهد، برگ برنده ایران برای تبدیل‌شدن از یک کشور تحت تحریم به یک هاب تجاری جهانی است. در همین راستا، توسعه بندر چابهار با همکاری هند، با سرمایه‌گذاری ۸۵ میلیون‌دلاری، ارائه تجهیزات جرثقیل صد تنی و اختصاص خط اعتباری ۱۲۰ میلیون‌دلاری برای توسعه زیرساخت‌ها، ایران را قادر می‌کند تا مسیر صادرات خود را از تنگه هرمز به دریای عمان منتقل و این بندر را به کانون جدید تجارت منطقه تبدیل کند. حلقه دوم همگرایی، «اقتصاد مقاومتی» و تنوع‌بخشی به شرکای تجاری است. ایران با درس‌آموزی از دوره تحریم‌های حداکثری، به‌سرعت سازوکارهایی را فعال کرده که وابستگی به صادرات نفت خام را به حداقل می‌رساند. جهش صادرات غیرنفتی به ۵۸ میلیارد دلار در سال ۱۴۰۳ و اعمال محدودیت‌های صادراتی راهبردی بر محصولات پتروشیمی، فولاد و سیمان، نه‌تنها برای حفظ ذخایر داخلی، بلکه برای ایجاد اهرم فشار در بازارهای جهانی طراحی شده است. پیوستن به سازمان همکاری شانگهای (SCO) و گروه بریکس، زمینه‌هایی برای تجارت خارج از مدار دلار فراهم کرده است. ایران هدف‌گذاری کرده تا حجم تجارت خود با کشورهای عضو SCO را از ۳۵، ۳۶ میلیارد دلار فعلی به بیش از ۵۰ میلیارد دلار افزایش دهد. این تنوع‌بخشی، ایران را در برابر شوک‌های خارجی مقاوم‌تر کرده و هم‌زمان، شبکه‌ای از وابستگی‌های متقابل اقتصادی ایجاد می‌کند که خود، زیربنای نظم نوین است.

حلقه سوم، «همگرایی دیپلماتیک و حقوقی» است. تهران با آگاهی از تضعیف اوپک، به تقویت اتحاد با روسیه در چارچوب اوپک‌پلاس و توسعه همکاری‌های گازی با قطر در میدان مشترک پارس جنوبی-گنبد شمالی پرداخت تا یک بلوک انرژی پایدار ایجاد کند. در سطح دیپلماتیک، نقش چین به‌عنوان میانجی در توافق تاریخی ازسرگیری روابط ایران و عربستان سعودی، نشان داد که تهران پذیرای ترتیبات امنیتی جدیدی است که از طرف قدرتی غیرغربی تضمین شود و به طور بالقوه نقش «ضامن ثبات» منطقه را برای خود تعریف کند. این همان «طرح امنیت جمعی» جدید در خلیج فارس است که ایران به دنبال آن است تا معماری امنیتی تحت رهبری آمریکا را برای همیشه کنار بزند. هم‌زمان، ایران با طرح دعاوی حقوقی بین‌المللی و درخواست غرامت از کشورهای همسایه به دلیل ارائه پایگاه و حریم هوایی برای حملات، واکنشی حقوقی را در دستور کار قرار داد که هدف آن مشروعیت‌زدایی از اقدامات دشمنان و ایجاد قواعد جدید بازی براساس حقوق بین‌الملل است. در همین راستا، نماینده چین در سازمان ملل نیز صراحتا تأکید کرده «علت اصلی بسته‌شدن تنگه هرمز، اقدامات نظامی غیرقانونی آمریکا و اسرائیل علیه ایران است»؛ موضعی که نشان‌دهنده شکل‌گیری یک اجماع بین‌المللی علیه رفتارهای یک‌جانبه غرب است. واکنش مالی امارات علیه ایران، که در قالب توقیف دارایی‌ها و شبکه‌های مالی ایرانی در دوبی انجام شد، به‌عنوان یک تهدید جدی علیه شریان‌های حیاتی اقتصادی ایران، خود به یک محرک برای تسریع راهبرد همگرایی تبدیل شد. امارات که سال‌ها مهم‌ترین مسیر دورزدن تحریم‌ها برای ایران و کانال بیش از ۲۰ میلیارد دلار صادرات مجدد کالا به ایران بود، با این اقدام خصمانه، عملا ایران را وادار کرد تا با سرعت بیشتری به سمت جایگزین‌سازی مسیرهای تجاری و مالی خود حرکت کند، اقدامی که در نهایت به نفع راهبرد کلان ایران برای استقلال از آسیب‌پذیری‌های خارجی و تنوع‌بخشی به شرکای تجاری تمام شد. حلقه چهارم این همگرایی، به حوزه «اقتصاد دانش‌بنیان و فناوری» مربوط می‌شود. ایران با اتکا به نیروی انسانی جوان و تحصیل‌کرده خود، در حال توسعه همکاری‌های فناورانه با قدرت‌های شرقی است. انتقال فناوری از روسیه و چین در حوزه‌های هوش مصنوعی، بیوتکنولوژی و انرژی‌های تجدیدپذیر، و سرمایه‌گذاری‌های مشترک در پارک‌های علم و فناوری، بخشی از این راهبرد است که اقتصاد ایران را از وابستگی به منابع خام به سمت تولید محصولات با ارزش‌افزوده بالا سوق می‌دهد. لازم به ذکر است که همه این حلقه‌های همگرایی، به واسطه یک توانمندی بازدارنده نظامی تضمین می‌شود که ایران با تکیه بر خودکفایی فناورانه به آن دست یافته است. البته این توانمندی که در عملیات «وعده صادق» به نمایش گذاشته شد، نه برای آغاز جنگ، بلکه برای مدیریت بحران از موضع قدرت و تحمیل هزینه‌های فرسایشی به دشمنان طراحی شده و پیش‌شرط لازم برای تحقق معماری نوین به شمار می‌رود.

در نهایت، مسیر ایران برای تحقق این معماری نوین و تبدیل‌شدن به یک «ققنوس معمار» از سه مرحله به‌هم‌پیوسته عبور می‌کند، در کوتاه‌مدت، «بقا و تثبیت» از طریق تحمیل فرسایش و هزینه‌های تحمل‌ناپذیر به دشمن و وادارکردن آن به پذیرش آتش‌بس. در میان‌مدت، «بازسازی و شبکه‌سازی» از طریق اجرای دیپلماسی فعال اقتصادی، تکمیل کریدور شمال-جنوب و تعمیق اتحاد با قدرت‌های شرقی و کشورهای دارای ظرفیت اقتصادی بزرگ برای خنثی‌سازی تحریم‌ها و در بلندمدت، «معماری‌گری و اجماع‌سازی» از طریق پیشبرد «طرح امنیت جمعی» جدید در منطقه، بازتعریف کامل نظم خاورمیانه، و تثبیت نقش ایران به‌عنوان یک قطب جهانی. تحقق این مسیر، یک استراتژی بلندمدت، پیچیده و البته پرریسک است که موفقیت آن مستلزم توازن دقیق قدرت سخت و نرم، اقتصاد و دیپلماسی و استفاده از هر ابزاری برای بازتعریف قواعد بازی خواهد بود.

آنچه در خاورمیانه در عصر گذار شاهد آن هستیم، نبرد میان دو الگوی راهبردی است؛ «واگرایی» که امارات نمایندگی می‌کند و «همگرایی» که ایران معمار آن است. امارات می‌خواهد با گسست از تعهدات جمعی و اتکا به اتحادهای دوجانبه، خود را به سنگاپور منطقه بدل کند، عربستان در تلاش است تا با احتیاط، بقایای نفوذ خود را حفظ کند و ایران با راهبردی تاریخی، حلقه‌های همگرایی را از اروپا تا شرق آسیا به هم می‌پیوندد. دراین‌میان محاسبات غلط ترامپ که با هدف فلج‌کردن ایران آغاز شد، به عاملی برای تسریع افول هژمونی نفتی غرب، تخلیه ذخایر استراتژیک آمریکا و سوق‌دادن جهان به سمت انرژی‌های پایدار تبدیل شده است. اهمیت و عظمت این مسیر برای ایران و منطقه به حدی است که سرنوشت نظم خاورمیانه برای دهه‌های آینده، نه در میدان‌های نبرد، بلکه در توانایی ایران برای تکمیل این حلقه‌های همگرایی و تثبیت خود به‌عنوان معمار اصلی نظم نوین رقم خواهد خورد.

جدول ۵۳۱۱ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- به‌روزرسانی- وابسته- شخصیتی محبوب در مدرسه موش‌ها ۲- سیلی- ضرباهنگ- محل اقامت زائران ۳- کنایه از در هر کاری دخالت کردن است- از چهره‌های مؤثر حزب نازی ۴- فراموشی- شاعر بافقی- گیاهی علفی و خودرو با مصرف دارویی ۵- سرآغاز شکست است- نقاشی که ادعای نبوت کرد- مشاور ۶- صاف و مسطح- باقی‌مانده- نیم‌تنه زنانه ۷- آغاز- فراخ و گشاده- آشفته و پریشان ۸- صوت شگفتی- ناموزون- پارچه روبالشی- جای پا ۹- همسایه عمان و عربستان- از قبایل عرب صدر اسلام- ظرفی برای کوبیدن ۱۰- سمت چپ- پایین‌آمدن- فلزی دیرگداز که به عنوان کاتالیزور استفاده می‌شود ۱۱- عالم ماده- چین و شکن- بی‌هوشی ۱۲- پیوسته، پیاپی- عقیده- جایز ۱۳- سوره بیستم قرآن- داستانی طنز نوشته مهرداد صدقی ۱۴- از شاگردان بوعلی‌سینا- انبازان- دشمن سرسخت ۱۵- عیب و ننگ- علم اشکال در ریاضی- ناخوشایندبودن

عمودی:

۱- کندزبان- از مواد افیونی- سرشت ۲- از املاح معدنی که کمبود آن در بدن می‌تواند زمینه‌ساز ابتلا به فشارخون بالا باشد- رمانی نوشته احمد محمود ۳- پدر کیخسرو که به دست افراسیاب کشته شد- عبادت‌کننده- تلخ ۴- رفیق مشهدی- دزد- نوار تزئینی ۵- پرنده‌ای لذیذگوشت- رواج- مقابل تشویق ۶- رحم‌کردن- خداشناس- خرامنده ۷- سازش‌کردن- روستای زادگاه هوشنگ مرادی‌کرمانی- پیروزی ورزشی ۸- مذهب بومی ژاپن- آبگوشت ۹- مجرد- کبوتر صحرایی- نان کاملا برشته ۱۰- تغار چوبی- بخش مرکزی اتم- خنک‌کن ۱۱- فرزند اسماعیل نبی(ع)- مبنای سنجش- پسر مازندرانی ۱۲- رنگ‌کردن کوتاه‌مدت مو- آبشار زیبایی در شهرستان سیاهکل گیلان- آغوز ۱۳- شخص- مادر اختراع است- خوراکی از تخم‌مرغ ۱۴- باتقوا- هنگام مصیبت گفته می‌شود ۱۵- ابریشم ناخالص- کلیسای تاریخی پاریس- فکر و اندیشه

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱						■						■			
۲			■					■							
۳													■		
۴				■					■						■
۵	■				■					■					
۶						■					■				
۷		■					■					■			
۸			■					■					■		
۹				■					■					■	
۱۰					■					■					
۱۱						■					■				■
۱۲	■						■					■			
۱۳			■												
۱۴								■					■		
۱۵				■						■					

حل سودوکو ۴۳۰۶

۱	۹	۳	۲	۶	۷	۴	۵	۸
۲	۶	۸	۵	۹	۴	۳	۷	۱
۴	۷	۵	۱	۳	۸	۲	۹	۶
۵	۱	۲	۳	۷	۶	۹	۸	۴
۹	۳	۴	۸	۱	۵	۶	۲	۷
۶	۸	۷	۹	۴	۲	۱	۳	۵
۸	۴	۶	۷	۲	۳	۵	۱	۹
۷	۲	۹	۶	۵	۱	۸	۴	۳
۳	۵	۱	۴	۸	۹	۷	۶	۲

۹	۶	۵	۳	۷	۲	۱	۸	۴
۳	۱	۸	۶	۹	۴	۵	۲	۷
۲	۴	۷	۵	۱	۸	۹	۳	۶
۸	۲	۴	۹	۵	۷	۳	۶	۱
۶	۵	۹	۸	۳	۱	۴	۷	۲
۷	۳	۱	۴	۲	۶	۸	۹	۵
۴	۹	۳	۲	۶	۵	۷	۱	۸
۵	۷	۲	۱	۸	۹	۶	۴	۳
۱	۸	۶	۷	۴	۳	۲	۵	۹

حل جدول ۵۳۱۰

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	ا	ک	ت	ف	ا	■	و	ی	ا	ل	■	ح	د	و	د
۲	ل	ا	ر	■	پ	ا	ر	ک	ژ	و	ر	ا	س	ی	ک
۳	ت	ش	ک	ر	■	س	و	ل	ه	■	ا	م	ت	ل	ا
۴	ح	ک	■	ا	ب	ت	د	ا	■	م	ه	ی	ا	■	م
۵	ر	ی	ا	ک	ا	ر	ی	■	م	ر	ز	■	س	د	ر
۶	ی	■	ک	ب	ر	ی	■	پ	ک	ی	ن	گ	■	ه	و
۷	ر	م	ل	■	و	ل	ف	ر	ا	م	■	س	ک	ا	ن
۸	■	ا	ی	س	ت	■	ک	و	ر	■	م	ل	ی	ت	■
۹	ا	ه	ل	ی	■	د	ا	ر	ی	و	ش	■	ه	ی	ز
۱۰	ش	ر	■	خ	و	ا	ه	ش	■	ی	و	ک	ا	■	ی
۱۱	پ	خ	ش	■	ی	خ	ی	■	پ	ت	ر	و	ن	ا	س
۱۲	ش	■	م	ن	ز	ل	■	چ	ا	ر	ت	ر	■	ن	ت
۱۳	ت	م	ا	م	ی	■	ب	ا	ی	ا	■	ی	و	ز	ک
۱۴	پ	ا	ر	ا	ت	ی	ر	و	ی	ی	د	■	ت	ی	ر
۱۵	ا	د	ه	م	■	ب	و	ش	ن	■	س	گ	ر	م	ه

سودوکو سخت ۴۳۰۷

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.
۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

			۹			۷		
۳	۷		۲	۶			۹	
		۹						۵
		۴	۳			۹		۱
			۱		۶			
۱		۸			۲	۶		
۲						۵		
	۵			۲	۷		۴	۳
		۱			۳			

سودوکو ساده ۴۳۰۷

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

۲		۶		۴		۵		
						۸	۶	۴
۹				۱			۳	۲
۴			۸			۳	۹	
	۹	۵	۴		۳	۱	۲	
	۸	۳			۲			۶
۵	۷			۳				۱
۸	۶	۴						
		۹		۸		۶		۵